

مردم می‌خواهند زور نشنوند

دولت اصلاحات در چهار سال اول خود سه خصیصه دولت‌های انقلاب را تقویت کرد؛ اگرچه دولتی ایدئولوژیک نبود اما سر ناسازگاری هم با ایدئولوژی نداشت. دولت اصلاحات به مقبولیت دولت‌های انقلاب افزود اما از اتوریته‌اش کاست. تضاد شکفت‌انگیز دولت خاتمی همین‌جاست. چگونه دولتی که مقبولیتی نام دارد و مردم را در نجابت ترجیح می‌دهد و از پایگاه مردمی قابل‌قبولی برخوردار است، از اتوریته چندانی برخوردار نیست. اگر بخت به خاتمی روی آورده بود، باید از ویرتوی سیاسی (شجاعات سیاسی) سود می‌جست و ماده آماده دولت را فرم می‌داد. آنچه ماکیاولی از آن با عنوان «ویرتو» یاد می‌کند، خصیصه‌ای است که باید در تناظر با «بخت» قرار گیرد، تا دولتی را به سرانجام برساند و عدم تناظر این دو مردم را از دست‌رفته، متفرق و پراکنده خواهند کرد. دولت خاتمی جریان رقیب را از کاشش اتوریته انقلابی در روند دولت اصلاحات هراسان کرد. این سه خصیصه در یک دستگاه مفهومی معنا می‌دهند. خاتمی نتوانست به‌دلیل عدم تناظر بخت و ویرتو، ماده دولت خود را فرم و شکل بدهد. دولت احمدی‌نژاد هم با بخت همراه بود. بختی که در تناظر با ویرتو بود. احمدی‌نژاد با اتکا بر سه خصیصه دولت انقلابی روی کار آمده بود. مقبولیت را به او بخشیده بودند و به‌ظاهر مقید به ایدئولوژی بود و از اتوریته نیز برخوردار بود. همه‌چیز برای دولت احمدی‌نژاد مهیا بود؛ حتی وضعیت اقتصادی ایران، برای اینکه او بتواند دولتی برپا کند که خود فرمانده‌اش باشد. بهتر است فرمانروای مردم بود تا نجیباً. احمدی‌نژاد در دوره دوم ریاست‌جمهوری‌اش برای اینکه بخت خود را بیازماید، به حامیان خود و مردم پشت کرد تا با شجاعت سیاسی کار همه را یکسره کند. او دیگر به مردم نیاز نداشت؛ بلکه به نجبایی محتاج بود که حلقه وفادارتش بودند؛ مناسی و بقایای جوافتنر. آنچه احمدی‌نژاد را ناکام گذاشت، ایدئولوژی علیه ایدئولوژی بود. او می‌خواست ایدئولوژی‌ خود و حلقه یارانش را جایگزین ایدئولوژی انقلاب کند. اقدامی که نهادهای ایدئولوژیک و انقلابی آن را برناتافتند. احمدی‌نژاد با زیرکی می‌خواست از مقبولیتِ هبه‌شده خود بیشترین بهره را ببرد و به این تعبیر ماکیاولی جامه عمل بپوشاند: فردی می‌تواند با قدرت دیگران روی کار بیاید و دولتی را بیا نکند که شجاعتش با بخت سازگار شود. شجاعَتِ احمدی‌نژاد به او فرمان می‌داد که اینک وقت سریپیچی است، برای ساختن دولتی پایدار. همه محاسبات احمدی‌نژاد درست بود به‌جز تاخت‌ن‌زدن مردم با نجیباً (حلقه اطرافیان خود). دولت روحانی نیز با بخت و قدرت، دیگری روی کار آمد. «اگر فردی برای به‌قدرت رسیدن، قدرت بگیرد، از افراخواند، اما خود ویرتوی سیاسی نداشته باشد، نمی‌تواند خود را از دست نیروهایی که او را به قدرت رسانده‌اند، خلاص کند. ازاین‌رو دولتش ناکارآمد و بی‌دوام خواهد شد، اما اگر فردی که با نیروی سیاسی دیگری روی کار آمده باشد و از ویرتویی بایسته برای شکل‌دهی به نیروهای خاص خود استفاده کند، آن‌گاه می‌تواند ارباب خوبی باشد. ارباب افراذنی‌های خویش و دولتی بادوام را بنیان گذارد». دولت روحانی بین دو صورت‌بندی گرفتار شده است. گاه درصدد اعلام وفاداری به جریانی است که در روی‌کارآمدنش نقشی اساسی داشته‌اند و از سویی دیگر دغدغه آن را دارد که عیار خود را در سیاست عیان کند. دولت روحانی نتوانست بخت خود را با ویرتویی سیاسی بیونیز بزند و از سابقه سیاسی‌اش بهره چندانی ببرد. روحانی در مواجهه با سه خصیصه دولت‌های انقلابی یعنی ایدئولوژی، اتوریته و مشروعیت از هیچ‌یک به حد کمال مطلوب سود نبرد. گاه به سوی ایدئولوژی چرخید و گاه از اتوریته انقلابی سود جست و گاه از مشروعیت دولتش در حوادث سیاسی استفاده کرد. بهتر است فرمانروای مردم بود تا نجبا. حلقه اطرافیان روحانی تلاش کردند با ویرتوی سیاسی خود به نفع روحانی وارد کارزارهای سیاسی شوند. کارزارهایی که نه به نفع دولت تمام شد و نه روحانی. روحانی باید خود دست به این اقدام می‌زد. اگر روحانی در همان سال‌های آغازین باور داشت که با بخت و ویرتوی سیاسی خود به پیروزی رسیده است، باید به‌صراحت رودرروی کسانی که او را وادار خویش می‌دانستند، می‌ایستاد و اعلام موضع می‌کرد. این عمل‌گرایی و اعلام موضع اگرچه چندان اخلاقی به نظر نمی‌رسید و خوشایند اصلاح‌طلبان و مردم نبود، تکلیف دولت و روحانی را مشخص می‌کرد و شاید این اقتدار برخاسته از ویرتوی سیاسی بسیاری از کارهای دولت را به سرانجام می‌رساند. نغته‌ها این اتفاق رخ نداد؛ بلکه دولت روحانی نتوانست مانند دولت‌های گذشته تضادهای خود را با جریان مقابل بروز دهد. روحانی همه تضادها را مدیریت کرد؛ مدیریتی که مواجهه طبقات را با یکدیگر به تأخیر انداخته است. وضع کنونی سیاست داخلی و ایستایی آن محاصل همین مدیریت است. «سیاست» زاده تضاد است و در دوره روحانی سیاست در فضای بیم و امید به رخوت درآمد و همه‌چیز در حالتی از شُدن و ناشدن باقی ماند. آن کسی که در این‌میان بیش از هرکسی ضربه خورد و ضربه‌خورد خود دولت روحانی بود که کارها و اقدامات مفیدش به گوش کسی نرسید و اقدامات بسیاری نیز بی‌سرانجام ماند. در دولت روحانی بدنه سیاسی منفعل شد و این انفعال بدنه سیاسی اینک نگران‌کننده شده است. سال‌های باقی‌مانده فرصت مغتنمی است برای روحانی که پا به میدان بگذارد و با عیان‌کردن تضادها و مواجهه با مخالفان خود، چه از طیف اصلاح‌طلبان و چه اصولگرایان، شور و شوقی در فضای رخوت‌زده سیاست برپا کند. از پس این توان، توان‌های دیگری زاده خواهد شد که مردم را به میدان سیاست خواهد آورد. کاری که به‌یقین حلقه اطرافیان روحانی قادر به انجام آن نیستند.

لیلا مرکن؛ شفافیت بودجه از مسائل مهمی است که همواره بر آن تأکید شده است. روشن‌شدن نحوه توزیع منابع مالی، احتمال بروز انحراف و ایجاد رانت در بخش‌های مختلف کشور را کاهش می‌دهد. با وجود اتفاق نظر درباره ضرورت این مسئله، دکتر حسن سبحانی، دکترای علوم اقتصادی و استاد اقتصاد دانشگاه تهران، در گفت‌وگو با «شرق» بودجه سال ۹۸ را غیرشفاف‌تر از بودجه سال جاری اعلام می‌کند. به اعتقاد سبحانی بازگشت به قاعده اصولی بودجه‌نویسی بسیار مهم است. دولت در بودجه حاضر ۲۲ تبصره آورده که مغشوش‌ترین شرایط را به وجود آورده است. حتی یک کارشناس هم که چنین لایحه‌ای را بررسی می‌کند گیج می‌شود و سؤال می‌کند که اینها چه کار می‌خواهند بکنند؟ تبصره‌ها مملو از ابهام است. این تبصره‌ها قوانین یک‌ساله‌ای هستند که در زمان تصویب بودجه بر لایحه تحمیل می‌شوند و معمولاً مجلس هم به‌جای بررسی لایحه بودجه، تبصره‌ها یعنی این قوانین یک‌ساله را بررسی می‌کند؛ به‌نحوی‌که من به‌جد و با اعتقاد می‌توانم بگویم که مجالسی که لوائح بودجه این چنینی را بررسی می‌کنند، تحقیقا بودجه را بررسی نمی‌کنند. دل‌خوش هستند به اینکه دارند کاری می‌کنند. حقیقت این است که مجالس تصور می‌کنند بودجه را بررسی می‌کند. باید از این مسیر برگردیم تا بودجه شفاف شود.

کجا به نظر شما لایحه بودجه امسال چه اشکالاتی دارد؟

از ویژگی‌های هر بودجه‌ای طبق تعریف این است که از شفافیت برخوردار باشد. شفافیت به این معناست که باید مشخص باشد در بودجه چقدر ریاضتی وجود دارد و به‌طور دقیق این دریافتی‌ها در چه زمینه‌هایی قرار است هزینه شود. اگر از این زاویه به کلیت لایحه ۱۳۹۸ نگاه کنیم، نمی‌توانیم متوجه شویم که در لایحه بودجه، رقم بودجه عمومی دولت چقدر است؛ برای مثال گفته شده این یک بودجه ۴۷۹ هزار میلیاردتومانی است. بعضی وقت‌ها با مسامحه، منابع اختصاصی را از آن کم می‌کنند که آن هم توجیه خاصی ندارد. با قبول این مسامحه با توجه به عدد ذکرشده در لایحه می‌توان گفت دولت گفته است منابع عمومی بودجه سال آینده ۴۷۹ هزار میلیاردتومان است، اما در لایحه ذکر شده که در صورت وجود برخی وصولی‌ها، رقم درآمدها قابل افزایش است؛ مثلاً اگر هزار میلیاردتومان از صندوق توسعه ملی برداشت شود، این رقم قابل افزودن به درآمدهای لایحه خواهد بود؛ بنابراین این سؤال پیش می‌آید که رقم دقیق بودجه چقدر است. آن ۴۷۹ هزار میلیاردتومان است یا ۴۰ هزار میلیاردتومان بیشتر؟ یا حتی بیشتر از ۴۰ هزار میلیاردتومان به بودجه اضافه می‌شود.

در بندهای دیگری از لایحه آمده است که علاوه بر آنچه از سال گذشته بابت فاینانس یا تأمین مالی خارجی باقی مانده است، ۳۰ میلیارددلار دیگر فاینانس برای طرح‌های دولتی و... با تضمین دولت قابل دریافت است. در این ارتباط اولا مشخص نیست چقدر فاینانس از سال‌های گذشته باقی مانده است. حتی اگر این فاینانس باقی‌مانده را صفر در نظر بگیریم (که چنین نیست زیرا در این صورت ذکر نمی‌شده)، معنای این بند از لایحه بودجه آن است که ۳۰ میلیارددلار فاینانس در بودجه سال آینده خواهیم داشت. اگر فرض بگیریم که هر دلار معادل نزدیک به مبلغ پنج‌هزار و ۸۰۰ تومانی مورد محاسبه در بودجه ارزش دارد، به این ترتیب با این میزان فاینانس ۱۷۴ هزار میلیاردتومان دیگر هم اجازه داده

شده که به بودجه اضافه شود. چون یک فرض این است که این خواسته در عمل محقق شود، بنابراین دولت به همین نسبت برخوردار و از سوی دیگر متعهد می‌شود. به این ترتیب آیا باید گفت بودجه عمومی دولت که ۴۷۹ هزار اعلام شده به‌همراه ۴۰ هزار میلیاردتومان افزایش سقف و به انضمام ۱۷۴ هزار میلیاردتومان با هم رقم بودجه عمومی دولت را تشکیل می‌دهند؟

نکته دیگری که مطرح می‌شود این است که به شهرداری‌ها اجازه می‌دهد تا پنج‌هزار و ۵۰۰ میلیاردتومان اوراق مالی اسلامی منتشر کنند و دولت پذیرفته است درباره بازپرداخت ۵۰ درصد اصل و فرع این اوراق مالی اسلامی متعهد باشد. اگر این رقم را به همان نرخ‌های معمول ۲۰ درصدی نرخ سود (بخوانید نرخ بهره)، در نظر بگیریم، به‌طور مشخص دولت از این بابت سه‌هزار و ۳۰۰ میلیاردتومان هزینه برای خود ایجاد کرده است. این رقم هم در لایحه بودجه ۱۳۹۸ محاسبه نشده است. نکته بعدی این است که دولت می‌پذیرد که مطالبات قطعی اشخاص حقیقی و حقوقی را از بخش‌های مختلف (مثل خصوصی‌ها، نهادهای غیردولتی و...) به‌عنوان بدهی به بانک مرکزی بر عهده بگیرد. از این رقم هم هیچ ذکری در بودجه نیامده است، درحالی‌که تعهد دولت، یعنی هزینه درخصوص آن است که باید درآمزش را مد نظر داشت یا پذیرفت دولت از این ناحیه کسری خواهد داشت. در لایحه معلوم نیست میزان مطالباتی که دولت متعهد می‌شود، چه میزان است. نکته بعدی این است که دولت قبول می‌کند در راستای عملیات بازار باز و توثیق اوراق مالی اسلامی دولتی بانک‌ها توسط بانک مرکزی تا ۲۰ هزار میلیاردتومان از بدهی‌های قطعی را بهادارسازی کند. خود واژه بهادارسازی بسیار مبهم و کلمه غریبی در لایحه بودجه است، اما چون از جنس بدهی است، تعهد دولت است و منطقاً باید جزء هزینه‌های دولت به حساب بیاید که نیازمند پیش‌بینی درآمد برای آن یا پذیرش کسری بودجه است.

در بخش دیگری از لایحه بودجه، دولت قبول کرده پنج هزار میلیارد تومان طلب بانک مسکن را به حساب بدهی دولت در بانک مرکزی بر عهده بگیرد و بالاخره گفته است که اگر سازمان بانزنسنگی نتوانست مابه‌التفاوت افزایش حقوق بانزنسنگان را پرداخت کند، از محل برداشت مجاز از ورودی منابع صندوق توسعه ملی این مابه‌التفاوت تأمین شود که این هم رقمش مشخص نیست و این دو مورد اخیر هم باید در لایحه و در بخش هزینه‌ها وارد و رقم هزینه‌ها را از کوی‌کمپ رها

اقتصاد

استاد دانشگاه تهران لایحه بودجه ۹۸ را غیرشفاف‌تر از لایحه بودجه امسال دانست

معمای ۲۲ تبصره‌ای بودجه



علیرضا یوسفی، رئیس هیئت مدیره شرکت توسعه اقتصادی

می‌کرد؛ کاری که انجام نشده است. همه مواردی که گفتم از نظر من هزینه‌ها یا درآمدهای لایحه بودجه اگر به لایحه اضافه شود آن‌موقع خواهیم دید که بودجه عمومی دولت چقدر است. می‌خواهم بگویم در اصلی‌ترین مسئله که رقم بودجه عمومی دولت است، این همه ابهام گفته و نگفته، حساب شده و نشده وجود دارد و این چیزی نیست که مقوله ساده‌ای باشد.

کجا پیشنهاد شما برای رفع این ابرادات چیست؟

بازگشت به قاعده اصولی بودجه‌نویسی بسیار مهم است. گفته می‌شود در زمان بررسی بودجه باید دریافتی‌ها از مجاری مختلف تا حدود زیادی با دقت پیش‌بینی و در ستون دریافتی‌ها نوشته شود. هزینه‌های دستگاه‌های اجرایی یا نهادهایی که قانون مصوب در گذشته دارند (و این قوانین می‌گویند که این پول را در ردیف هزینه‌ها صرف چه کاری بکنند) مشخص باشد. دولت در بودجه حاضر ۲۲ تبصره آورده و این تبصره‌ها مغشوش‌ترین شرایط را به وجود آورده است. حتی یک کارشناس هم که چنین لایحه‌ای را بررسی می‌کند، گیج می‌شود و سؤال می‌کند که اینها چه کار می‌خواهند بکنند؟ تبصره‌ها مملو از ابهام است. تبصره‌ها مطلقاً نباید در لایحه بودجه باشند یا در حد دو، سه تبصره‌ای که روشنی و وضوح به ماده‌واحد بدهند، توجیه وجود دارد، اصولاً در یک جمله می‌توان گفت لایحه بودجه احتیاج به تبصره ندارد. این تبصره‌ها قوانین یک‌ساله‌ای هستند که در زمان بودجه بر لایحه تحمیل می‌شوند و معمولاً مجلس هم به جای بررسی لایحه بودجه تبصره‌ها یعنی این قوانین یک‌ساله را بررسی می‌کند. به نحوی که من به‌جد و با اعتقاد می‌توانم بگویم مجالسی که لوائح بودجه این چنینی را بررسی می‌کنند، تحقیقا بودجه را بررسی نمی‌کنند. در واقع قوانین یک‌ساله متوعی را بررسی می‌کنند و دلخوش‌اند به اینکه دارند کاری می‌کنند. حقیقت این است که مجالس تصور می‌کنند که بودجه را بررسی می‌کنند. باید از این مسیر برگردیم تا بودجه شفاف شود.

ک فکر می‌کنید چرا دولت هیچ‌گاه بودجه دستگاه‌ها را به صورت منسجم و در یک فایل که همه چیز در آن مشخص باشد، ارائه نمی‌کند؟

البته ممکن است این فرمایش شما را دولت رد کند و بگوید تا حدودی رعایت می‌کند. بودجه ضمیمه‌های چندگانه‌ای دارد؛ چهار تا پنج جلد ضمیمه دارد و در آنها نوشته که فلان دستگاه چقدر دریافت کند. در این تبصره‌ها که آفت جان قوانین بودجه ما شده، بعضی

اضافات به صورت یک‌ساله تصویب می‌شود که این تا حدودی بودجه دستگاه‌های اجرایی را غیرشفاف می‌کند. در مثال‌های قبلی که ارائه کردم، مسائل مربوط به بخش درآمدی بودجه مطرح شد. حال چند مثال هزینه‌ای می‌زنم. در بخشی از لایحه بودجه آمده وزارت نیرو علاوه بر اینکه پول آب مصرفی مردم را می‌گیرد، به ازای هر مترمکعب آب شرب که مردم مصرف می‌کنند، می‌تواند ۲۰۰ ریال از آنها پول اضافه بگیرد و صرف انجام برخی کارها کند، یعنی شفاف نیست مردم برای یک مترمکعب آبی که مصرف می‌کنند، چقدر می‌پردازند. یا فرض کنید وزارت نفت می‌تواند از هر واحد مسکونی که مشترک گاز است، دو هزار ریال وصول کند یا از هر واحد مسکونی که مشترک برق هستند، هزار ریال وصول کند یا از هر واحد تجاری که مشترک گاز و برق است ۱۰ هزار ریال وصول کند. اینها ممکن است ارقام کمی باشد ولی سؤال این است که مردم و واحدهای تجاری بابت مصرف گاز و برق خود چقدر پرداخت می‌کنند. مسائلی از این قبیل است که اعداد بودجه را با ابهام مواجه می‌کند.

کجا در بودجه شرکت‌های یک‌سری قوانین سالانه مهم و بدون عملکرد و جزئیات داریم، با وجودی که بزرگ‌ترین بخش بودجه به شرکت‌ها مربوط می‌شود؟

بودجه شرکت‌های دولتی و بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی باید با معیارهای دیگری بررسی شود. بخشی که تاکنون گفتم، نامش بودجه عمومی است و منابع درآمدی آن نفت، مالیات، قرض و سایر درآمدهاست. رقم آن هم بر اساس آنچه در بودجه آمده است همان‌طور که نشان داده شد خود چقدر پرداخت می‌کنند. این رقم ۴۷۹ هزار میلیارد تومان با احتساب درآمد اختصاصی است. اما بودجه شرکت‌های دولتی دیگر از نفت و مالیات و... استفاده نمی‌کنند. آنها خودشان درآمدهایی دارند و از محل آن درآمدها هزینه می‌کنند. مثلاً راه‌آهن بلیت می‌فروشد، خدمات می‌دهد، درآمدی دارد و از آن درآمد استفاده می‌کند. بودجه شرکت‌های دولتی عمدتاً در مجلس بررسی نمی‌شود زیرا تبصره درخصوص شرکت‌های دولتی خیلی کم است. آنها اعدادی را که فکر می‌کنند در سال آینده فروش دارند و به صورت خیلی تقریبی است (زیرا با این تغییرات قیمت‌ها کسی نمی‌تواند بگوید سال آینده کالاها و خدماتش را چقدر می‌فروشد و با چه هزینه‌هایی روبرو می‌شود) به عنوان درآمد لحاظ می‌کنند.

بنابراین قواعد بررسی بودجه شرکت‌های دولتی با بودجه عمومی دولت که بیشتر محل توجه مردم است، تا حدودی باید متفاوت باشد اما ابهام اساسی این است که با اینکه چندین دهه است که خصوصی‌سازی در کشور رخ داده و به‌ویژه در ۱۰ تا ۱۲ سال اخیر، خصوصی‌سازی‌های وسیع اتفاق افتاده است و انتظار این بوده که نرخ رشد درآمدهای شرکت‌های دولتی لااقل کاهش پیدا کند اما همچنان علیرغم کم‌شدن تعداد شرکت‌های دولتی درآمدها و هزینه‌های آنها رو به افزایش است. هرچند بخش عمده آن به دلیل افزایش قیمت‌هاست ولی هنوز ساختار بودجه کل کشور که از چندین دهه قبل یک‌سوم دولت و دوسوم شرکت‌های دولتی بوده است، تغییر نکرده و تقریباً به شرایط خودش باقی مانده است و حتی در لایحه بودجه سال آینده سهم بودجه شرکت‌های دولتی بانک‌ها و... به حدود ۷۴ در صد بودجه کل کشور رسیده است.

ادامه در صفحه ۵

شرکت‌های دولتی و بانک‌های موضوع ماده (۵) «قانون مدیریت خدمات کشوری» که در بودجه کل کشور برای آنها سود وپیش‌بینی شده است، مکلف هستند حداقل ۵۰ درصد (۵۰٪) سود پیش‌بینی‌شده را هر سال با سازوکار ماده (۵) این قانون به حساب درآمد عمومی واریز کنند. براین‌اساس، بانک‌های دولتی موظف هستند بر اساس لایحه پیشنهادی سال آینده، ۱۴ هزار و ۹۱۰ میلیارد ریال از سود خود را به حساب درآمد عمومی واریز کنند. بیشترین رقم در این بخش، متعلق به بانک مرکزی با ۱۳ هزار میلیارد ریال و کمترین رقم مربوط به بانک توسعه تعاون با ۱۰ میلیارد ریال است.

● **مورد خاص «پست‌بانک»:** نکته جالب‌توجه این است که «شرکت دولتی پست‌بانک»، با توجه به اصلاحات اصل ۴۴ قانون اساسی، از سال ۱۳۸۹ در صف واگذاری ۴۹ درصدی سهام در بورس تهران قرار دارد، اما این امر تاکنون رخ نداده است. این بانک بر اساس لایحه بودجه سال آینده، ضمن تحقق درآمد و هزینه ۱۵ هزار میلیاردریالی، باید سهم دونویم‌میلیاردریالی دولت از سود ۵۰ میلیاردریالی را بپوشش دهد.

منبع: **لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ کل کشور**

بودجه پیشنهادی بانک‌ها در لایحه ۱۳۹۸ (ارقام به میلیارد ریال)									
نام بانک	درآمد	هزینه	استهلاک	مالیات	۵۰درصد سود ویژه	سهم دولت	سهم شرکتهای دولتی و سایر سهام‌داران	اندوخته‌ها	تخصیص سود
بانک کشاورزی ایران	۱۷۰،۱۷۳	۱۷۰،۱۲۳	۸۱۱	۱۲۵	۲۵	۱،۲	۰	۱۱	۰،۲
بانک مرکزی ج.ا.ی	۸۶،۷۳۰	۶۰،۷۳۰	۳۰۰	۶۵۰۰	۱۳،۰۰۰	۰	۰	۶،۳۷۰	۱۳۰
بانک مسکن	۱۴۲،۵۸۴	۱۴۱،۷۳۴	۲،۰۰۰	۲۱۲،۵	۴۲۵	۲۱،۲	۰	۱۸۷	۴،۲
بانک ملی ایران	۳۷۲،۹۰۴	۳۷۲،۸۵۴	۲،۰۹۰	۱۲۵	۲۵	۱،۲	۰	۱۱	۰،۲
بانک صنعت و معدن	۲۶،۶۸۹	۲۵،۸۲۹	۸۵۰	۲۱۲،۵	۴۲۵	۲۱،۲	۰	۱۸۷	۴،۲
بانک‌سپه	۲۰۱،۳۲۶	۲۰۱،۲۲۶	۱،۸۰۰	۲۵	۵۰	۲،۵	۰	۲۲	۵،۵
بانک توسعه صادرات	۱۸۶،۱۹	۱۶۸،۱۸	۲۵۰	۲۵	۹۰۰	۴۵	۰	۳۹۶	۹
شرکت دولتی پست‌بانک	۱۵۴،۰۸	۱۵۳،۰۸	۲۵	۲۵	۵۰	۲،۵	۰	۲۲	۰،۵
بانک توسعه تعاون	۲۲،۱۴۱	۲۲،۱۲۱	۲۱۸	۵	۱۰	۰،۵	۰	۴،۴	۰،۱
جمع	۱،۰۵۶،۵۷۴	۱،۰۲۶،۷۵۴	۸،۹۶۹	۷،۴۵۵	۱۴،۹۱۰	۹۵	۰	۷،۲۱۰	۱۴۹

دیدار آیت‌الله وحید خراسانی باوزیر اقتصاد

● دیروز ۱۴دی ماه ۱۳۹۷، آیت‌الله العظمی وحید خراسانی با وزیر اقتصاد و هیئت همراه و جمعی از آخرین بخش سلامت، دیدار و گفت‌وگو کردند. معظم‌له در دیدار با آقای دزیسند، وزیر محترم اقتصاد، فرمودند: کار شما بسیار پرارزش است. حدیث صحیح السند است یک دسته روی زمین عملة الله هستند، آنهایی که سعی‌شان این است که گره از کاری بکشایند؛ اگر شما و همکاران‌تان بخواید کارگران خدا باشید، باید به بیچارگان رسیدگی کنید. سپس در دیدار با آخرین بخش سلامت، ضمن بیان توفیقی جمع حاضر در خدمت‌رسانی به مستمندان، فرمودند: اولاً خدا را شکر کنید که به شما این توفیق را داده است. خدمت به بیچارگان و ینویان افضل کل مطالب است. کمک به این بیچارگان و مستمندان قابل وصف و بیان نیست؛ رسیدگی به مستمندان، از انسان و خویشاوندان و از مملکت دفع‌بلا می‌کند. ایشان در پایان فرمودند: اجای امر فاطمیه، علویه و صادقیه را فراموش نکنید تا شب اول قبر حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام کمک‌تان کند. هر روز قرآن بخوانید و به حضرت حجت محل‌الله تعالی فرجه هدیه کنید، با این کار، او کمک می‌کند، حوایج برآورده شود. هر شب سوره یس بخوانید و به حضرت زهرا سلام‌الله علیها هدیه کنید. با این کار سعادت دنیا و آخرت شما تضمین است. سوره یس قلب قرآن است، آن را ترک نکنید.

ادامه از صفحه اول

بیماری‌های کودکی در سیاست

با اینکه بیماری کودکی راست‌روی در گذشته نیز مسبب دو جنگ جهانی شده و بیماری کودکی چپ‌روی هیچ‌گاه در این حد مخرب نبوده است، بیماران راست‌روی همواره خوشبختانه، بیماری خطرناک خود را زیر پوشش مقابله با چپ از چشم جامعه پنهان نگه دارند تا بتوانند جامعه را مانند خود بیمار کنند. گفتنی است تا افق قابل مشاهده تقابل دو اندیشه راست و چپ پایان‌پذیر به نظر نمی‌آید و در تاریخ اندیشه و در عمل هرکدام درس‌هایی آموخته‌اند که دیگری داده‌اند، به‌جای استدلال و تحلیل شعار می‌دهند، بسیار خوددانا‌پندار، متعصب و ناشکیبا هستند، و به قول انکلس ناشکیبایی شخصی خود را تئوریزه می‌کنند. این عوارض در فاشیسم نو و کهنه، تانیاها، ترامپ، دامش و... و نیز به‌ویژه جناح اخباری راست سنتی ایران مشاهده می‌شود.

این بیماران دچار ثنویت مانوی هستند، آنها اعتقادی به حرکت جوهریه یا دیالکتیکی ندارند که در آن نیک و بد از بطن هم برمی‌آیند. محاسبات ذهنی آنها در حد محاسبه صفر و یک تقلیل یافته است، و تکامل جامعه و استعلائی انسان را به معادله‌ای یک‌محصولی تقلیل می‌دهند که دراصل آن را تنها خودشان می‌دانند. این ثنویت، در برداشت و تعریف سطحی و قشری آنها از کاپیتالیسم و سوسیالیسم، رونما و زیربنا، آمریکا و غیر آمریکا، بازار و برانه، دولتی و خصوصی، اقتصاد و غیراقتصاد و... منعکس است. در ایران از آنهایی که مردم‌سالاری را غربی می‌دانند، تا آنهایی تراکم‌فروشی (مسأوی قانون‌فروشی و رانت‌جویی) را رایج کردند، از این زمره‌اند. طنز تاریخ اینکه برای توجیه تراکم‌فروشی، دسته اول را راست سنتی اخباری، به اصل تسلط مردم بر اموال خویش تمسک می‌جویند و اصول لاضرر و حقی ارتقاق را به‌دور می‌اندازند؛ اما دسته دوم، که می‌توان به آنها راست جدید اخباری‌رایع تراکم‌فروشی را عین عقلانیت اقتصادی دانسته و این اصل اقتصاد نوکلاسیک را که شکست بازار را درباره تخصیص بهینه زمین صادق می‌داند، به دور می‌اندازند. مبتلایان به انواع بیماری کودکی، پیروایتلا به ثنویت مانوی، باورهای انتزاعی خود را جایگزین واقعیت می‌کنند. آنها معتقدند تنها یک مدل برتر در جهان وجود دارد و برای رسیدن به آن «نباید» در بین وضع موجود با نظام مطلوب را نه می‌توان یا دو گام پیمود (چون منجر به سقوط در شکاف می‌شود) و نه می‌توان روی آن پل ساخت بلکه باید از وضع موجود به مطلوب «جهید». از یک‌سو نوکان‌ها و ترامپ معتقد به تک‌مدیریت آمریکا و جناح راست جدید اخباری در ایران که نهادگرایی و نهادسازی را قبول ندارند، در این طبقه‌بندی جای می‌گیرند. نقد لنین به این بیماری کودکی بسیار گویا است: «قبول نبرد در هنگامی که این امر به‌سود دشمن تمام خواهد شد، منطقی نیست». در انتها برای درمان بیماری‌های کودکی باید گفت: ما می‌توانیم و موظفیم ساختمان (جامعه آرمانی) خود را نه با مصالح پندارآمیز خود و نه با مصالح انسانی که خود ما مخصوصاً (اراده‌گرانه) ایجاد کرده‌ایم بلکه با آن مصالحی آغاز کنیم که سرمایه‌داری برای ما به میراث گذاشته است. بی‌شک این کاری بسیار «دشو» است اما هر نوع شیوه برخورد دیگری نسبت به این وظیفه به‌حدی سبک‌مغزانه است که حتی قابل بحث نیست. (در این راه) علم خواستار آن است که اولا تجربه کشورهای دیگر در نظر گرفته شود، ثانیا تمام نیروها، گروه‌ها، احزاب و طبقات و توده‌هایی که در داخل یک کشور فعالیت می‌کنند، در نظر گرفته شوند.